

هو الحکیم

عنوان:

وجوب اعطای معجزه با حجت های الهی  
از باب قاعده‌ی لطف

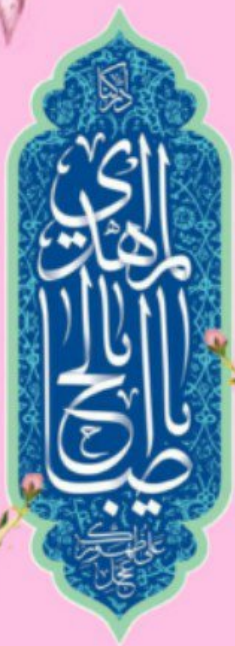


دکتر وحید باقرپور کاشانی



«SERATEHAGHI»





Join > @SERATEHAGHI

Join > @MAHDISM\_12

Join > @serat12k

این جا دقت بکنید! اینکه:

«خواه رسولی فرستاده باشد یا نفرستاده باشد و خواه آن رسول، آیات و بینات و دلایلی داشته باشد یا نداشته باشد». این هم ایراد دارد! ببینید یک نفر از ناحیه‌ی خدا فرستاده شده، امور غیبی را فرستاده، حالا آقا اومده گفته من نبی هستم، من وصی هستم، من امام هستم! من از کجا سرسپردگی به این داشته باشم؟! از کجا باید بفهمم این از ناحیه‌ی خدا آمده و ترتیب اثر و تبعیت و سرسپردگی به امور غیبی داشته باشم؟! چرا من باید تعبد بکنم؟! پس اگر چنانچه بفرستد و معجزه ندهد و برای مردم قابل تشخیص نباشد ایمان نیاورند، بله این مشکل دارد!

خدا کار قبیحی انجام داده است!

تفاوت چندانی نمی‌کرد که نمی‌فرستاد! به‌خاطر اینکه فرستاده، بی‌تنه ندارد که از ناحیه‌ی خداست! پس معجزه هم که داده، این هم از باب قاعده‌ی لطف است؛ چه فرستادنش، چه معرفی، چه ابلاغ و چه ارائه‌ی بی‌تنه، تمام این‌ها از باب قاعده‌ی لطف بر ذات ربوبیت واجب است! الا اینکه اگر چنانچه عقل را می‌داد به همان اندازه‌ی چهارچوب حسن و قبح عقلی مواخذه می‌کرد! فرض کنید انسان‌هایی می‌آورد، نبوت و این‌ها هم نبود؛ می‌گفت آقا ظلم نکنید. تازه ظلم نکنید خروج عقل عملی هر کسی می‌فهمد ظلم بد است!

→ [صراط‌الحق]

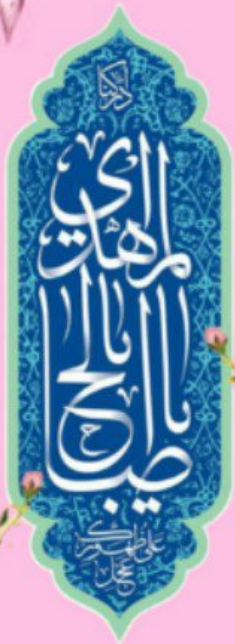
اما گاهی اوقات مصادیق، تشویش می‌شود  
آیا این ظلم است یا این ظلم نیست؟!  
گاهی اوقات نگاه می‌کنید در حکومت‌های اجتماعی  
همه هم تحلیل‌های عقلی به حساب خودشان  
کرده‌اند! گفتند اگر چنانچه دموکراسی باشد  
این عدل است! جمعی گفتند نه دموکراسی اصلاً به  
معنای حقیقی تحقق پیدا نمی‌کند به  
خاطر اینکه آن کسانی که بخواهند انتخاب بکنند،  
نصف‌شان که واجد شرایط انتخاب هستند!  
خیلی‌هایشان هم ممکن است به یک آقایی مثلاً  
رای ندهند، هفتاد درصد به یکی دیگر بدهند،  
سی درصد ندهند، باز دموکراسی رعایت نمی‌شود!  
بعضی‌ها دموکراسی را این‌گونه مطرح کردند.  
بعضی‌ها گفتند نه حکومت شورا را حساب بکنید!  
جمعی را انتخاب کنید این‌ها بخواهند!  
باز روی این مسأله بحث کردند. جمعی گفتند نه؛  
استخلاف را در نظر بگیریم! خلیفه و بحث سلطنت!  
حرف‌ها مختلف است! شما در فلسفه‌ی سیاسی  
وقتی حساب بکنید ادله‌ی مختلف پشت هر  
کدام فهمی خوابیده! چه کار می‌خواید بکنید؟!  
در امور اجتماعی هم همین‌طور! در قوانین مختلف  
هر کسی یک‌جوری نظر می‌دهد! مثلاً در ایام  
کرونا یک مدتی حرم حضرت رضا علیه‌السلام  
را بستند. بعد که باز کردند، ما هر هفته می‌دیدیم  
که قوانین تفاوت می‌کند. مثلاً این‌هایی که  
می‌خواستند به ضریح برسند یک دالون‌هایی با میله  
درست کرده بودند،

Join > @SERATEHAGHI

Join > @MAHDISM\_12

Join > @serat12k

→ [صراط‌الحق]



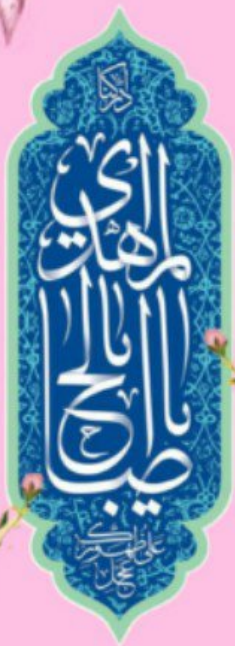
Join > @SERATEHAGHI

Join > @MAHDISM\_12

Join > @serat12k

به سه متر که می‌رسید دور می‌زدند. کم‌کم کردند  
دو متر به ضریح؛ بعد کم‌کم بین این دالون  
اجازه می‌دادند مردم اول نماز بخوانند، بعد باز  
تغییرش دادند گفتند نماز نخوانید دوباره  
گفتند نماز بخوانید! دوباره گفتند نماز نخوانید!  
بعد کم‌کم کرونا هم تغییر نکرد، آمدند در ربیع‌الاول  
آهن‌ها را صاف کردند که دست به ضریح بخورد!  
هر روز یک تغییر و تحولی! غرض و مرضی هم در کار  
نبوده! به ذهن یک نفر بوده باید این‌طوری باشد،  
بعد یک نفر دیگر گفته این اشتباه است!  
قوانین بشری به‌طور اکثر به این شکل است!  
شما در پزشکی نگاه بکنید! گاهی اوقات یک دارویی  
را به‌عنوان درمان مطرح می‌کنند،  
یک عده آدم را می‌کشد و عوارض دارد!  
بعد می‌گویند اشتباه کردیم دوباره باید یک مدل  
دیگر طراحی کنیم! مدل ساینس همین است!  
بینید عقل هر عاقلی می‌فهمد که ظلم بد است،  
اما گاهی اوقات در مصادیق گیر می‌کنیم!  
مثلاً این عدل است یا ظلم؟!  
عدل خوب است اما واقعاً این عدل است یا ظلم؟!  
گاهی اوقات بوده که در سالیان گذشته در  
نقلاب‌هایی که در کشورهای مختلف صورت گرفته،  
جمعی بر علیه سلطان عصر خودشان به بهانه‌ی  
عدل قیام می‌کردند! حکومت‌ها به بهانه‌ی عدل  
می‌کشتند! این چطوری می‌شود?!

→ [صراط‌الحق]



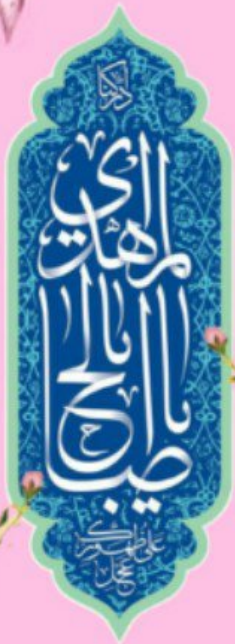
J0in > «SERATEHAGHI»

J0in > «MAHDISM\_12»

J0in > «serat12k»

→ [صراط حق]

عدل بالاخره اگه واقعاً مشخص است  
و اگر بدیهی عقلی باشد، این چه طوری می‌شود  
که به اسم عدل این ظلم را می‌کند؟!  
هیچ کسی نمی‌گوید ما به بهانه‌ی ظلم  
می‌خواهیم مبارزه بکنیم! می‌گوید ما به  
بهانه‌ی عدل این کار را می‌کنیم، و هم به  
بهانه‌ی عدل سرکوب می‌کند! موارد فراوانی از  
این قبیل بوده! پس این هم حتی باید  
تعیین شود. یعنی خیلی از  
مصادیق باید در زندگی بشری تعیین شود  
که واقعاً این چیست!  
مثلاً از باب نمونه شما ببینید،  
می‌گویند دیه‌ی زن یک حصه است،  
دیه‌ی مرد دو حصه است؛  
ارث زن یک حصه است،  
ارث مرد دو حصه است.  
حالا فرض کنید در اسلام حکم این بود که  
این‌ها برابر باشند، مسلمان‌ها داد می‌زدند  
ما بر این برابری افتخار می‌کنیم!  
اما الان که نصف شده می‌گویند نه آقا!  
زن‌ها چون این طوری بودند مرد‌ها این طوری بودند،  
این دیه تفاوت دارد!  
ما چطوری باید این‌ها را تشخیص بدهیم؟!  
فرض کنید در اسلام می‌گفت هر کسی یک سگ  
داشته باشد! آن وقت ما مسلمان‌ها می‌گفتیم  
این سگ، این موجود باوفا، اسلام می‌دانسته



Join > @SERATEHAGHI

Join > @MAHDISM\_12

Join > @serat12k

اسلام می‌دانسته که سگ چون وفا دارد  
و دوست انسان و مُعین انسان است،  
گفته یکی در خانه نگه دارید!  
افتخار هم می‌کردیم می‌گفتیم  
اروپایی‌ها که این کار را انجام می‌دهند  
هزار و چهار صد سال پیش پیامبر ما گفته!  
اما الان چه گفته؟ نجس هست!  
ما اجازه نمی‌دهیم!  
دنبال چی می‌گردیم؟!  
دنبال یک میکروب‌هایی که در آب  
دهان سگ است،  
یک بیماری‌هایی است!  
آن بیماری‌ها در گوساله هم ممکن است باشد!  
در گاو هم ممکن است باشد!  
در خیلی چیزهای دیگر هم ممکن است باشد!  
این‌طوری داریم در نظر می‌گیریم!  
پس ببینید اینکه ایشان این  
مسائل را می‌فرمایند،  
قطعاً مسئله‌ی اشتباهی است!

→ [صراط‌الحق]